

مهدی سلیمی
کارشناس ارشد رشته فقه و مبانی حقوق
شهرستان کاشمر

در آستانه‌ی ماه رمضان

گاه علوم انسانی مطالعات فقهی
رسال جامع علوم انسانی



اهمیت و ضرورت سنت های الهی

منظور از سنت های الهی که مجرای تحقق اراده ی الهی در جهان هستند، چه قانون هایی هستند و اقسام آن کدامند؟ سنت های الهی چه ویژگی هایی دارند؟ آیا می توان علت تمام بدبختی ها را به بیگانگان و سیاست های مخرب آنان نسبت داد و یا گردش موافق و مخالف افلاک را در این حوادث مؤثر دانست؟ آیا شانس و اقبال می تواند توجیه گر حوادث تلخ و شیرین باشد؟ آیا بهتر نیست که به قرآن پناه ببریم و عامل اصلی گرفتاری ها و راه درمان را در آن بیابیم؟

معنای لغوی و اصطلاحی سنت

سنت در لغت به معنای سیره و روش [ابن مکرم، ۱۴۰۵ ق، ج ۳۱: ۲۲۶] و در اصطلاح اصول فقه عبارت است از قول و فعل و تقریر معصوم (ع) [فتح الله، ۱۴۱۵: ۲۳۷].

«سنت الهی»، یعنی: «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد» [قلعجی، ۱۴۰۸ ق: ۲۵۰]، یا «روش هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه ی آن ها تدبیر و اداره می کند» [مصباح یزدی، ۱۳۶۸ ش: ۴۲۵]. البته منظور از «سنت الهی» آن نیست که فعل خاصی مستقیماً و بی واسطه از خداوند صادر شود، بلکه خداوند امور را با اسباب و وسایل طبیعی و فوق طبیعی انجام می دهد و چنان که خواهیم گفت، یکی از سنت های الهی همین سنت الهی در اسباب و مسببات است. در عین حال و در مرحله ی بالاتر، افعال را به خداوند نیز می توان منسوب کرد و بنابراین تعابیر «سنة الله» [احزاب/ ۳۸ و ۶۲، فاطر/ ۴۳، غافر/ ۸۵، و فتح/ ۲۳] و «ستتنا» [اسراء/ ۷۷] که در قرآن کریم به کار رفته اند، بر همین وجه هستند.

نکته ی دیگر این است که مراد از تعابیری همچون «سنة الاولین» [انفال/ ۳۸، حجر/ ۱۳، کهف/ ۵۵، فاطر/ ۴۳] و «سنن الذین من قبلکم» [نساء/ ۲۶] نیز آن نیست که دو سنت وجود دارد، بلکه از آن جا که طرف مقابل سنت الهی ممکن است انسان ها باشند، بنابراین سنت الهی را به آنان نسبت می دهیم؛ چنان که در تعریف سنت الهی گاهی به این مطلب اشاره می کنند: «ترکیب اضافی (سنة الله) عبارت از روشی است که خداوند متعال از روی حکمت خویش حسب رفتار و سلوکی که مردم با شریعت او دارند، نسبت به آنان اعمال می دارد» [خرمشاهی، ج ۲: ۱۲۲۱].

اقسام سنت الهی

سنت های الهی گاهی تقسیم می شوند به: اخروی و دنیوی. سنت های اخروی راجع به زندگانی آن جهانی انسان ها و پاداش و کیفر اخروی اعمالشان است. و سنت های دنیوی مربوط است به زندگی این جهانی آدمیان که به نوبه ی خود، یا به رفتارهای فردی اختصاص دارند، یا به رفتارهای اجتماعی، و یا به هر دو. این دسته از سنت های دنیوی نیز گاهی مطلقند که مسیوق به افعال انسان ها نیستند؛ مثل: سنت هدایت توسط انبیا و سنت آزمایش. مردم چه بخواهند و چه نخواهند، هم مورد تبلیغ و ارشاد انبیا واقع می شوند و هم مورد ابتلا و امتحان. و گاهی مقید و مشروط هستند به رفتار مردم؛ مثل سنت امداد. یعنی مردم در ابتدا اراده ی دنیا یا آخرت می کنند و در راه خود به کوشش هایی دست می زنند و آن گاه امدادهای الهی به خوبان و به نحوی هم به بدان می رسد. [مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۳۵-۴۲۶].

از سنت امداد که بگذریم، به سنت های دیگری می رسیم که در دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. سنت های مقید و مشروطی که مخصوص اهل حق هستند. این سنت ها را می توان زیر چهار عنوان درج کرد: زیادت نعمت های معنوی و اخروی، تحبیب و تزئین ایمان، زیادت نعمت های مادی و دنیوی، و پیروزی بر دشمنان.

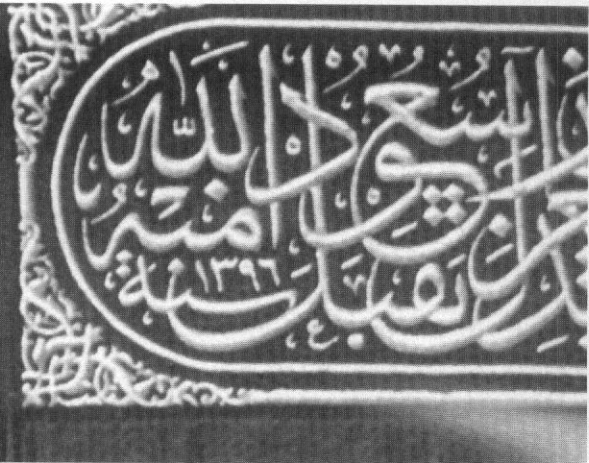
۲. سنت های مقید و مشروطی که مخصوص اهل باطل هستند. این سنت ها را می توان زیر هشت عنوان ذکر کرد: زیادت ضلالت، تزئین اعمال، املا و استدراج، امهال، ابتلا به مصائب، تسلط مجرمان و مترفان، استیصال، و شکست از دشمنان [همان، ص ۴۵۸-۴۳۷].

برخی سنت های الهی دیگر عبارتند از: سنت الهی در اسباب و مسببات، سنت هدایت و گمراهی، سنت الهی درباره ی مکر و ماکرین، سنت الهی درباره ی رزق بندگان، سنت الهی درباره ی طلب دنیا و آخرت، سنت الهی درباره ی ایمان، تقوا و عمل صالح، سنت تدافع حق و باطل، سنت آزمایش و ابتلا، سنت ترف و مترفین، سنت استدراج و... [خرمشاهی، ج ۲: ۱۲۳۱-۱۲۲۱].

ویژگی های سنت های الهی

سنت های الهی سه ویژگی بسیار مهم دارند:

۱. عام و فراگیرند [همان، ص ۱۲۲۱].



۲. قیاس ناپذیرند [پیشین]

۳. ثابت و تغییر ناپذیرند [معادینخواه، ۱۳۷۲، ج ۶: ۳۲۱۳].

الف) فراگیر بودن سنت های الهی

عام و فراگیر بودن سنت های الهی در قرآن به این صورت آمده است:

● «یرید الله لیبین لکم و یهدیکم سنن الذین من قبلکم و یتوب علیکم والله علیم حکیم» [نساء/ ۲۶]: خدا می خواهد راه سعادت را برای شما بیان کند و شما را به آداب (ستوده) آنان که پیش از شما بودند، راهبر گردد و بر شما ببخشد، و خدا دانا و به حقایق امور آگاه است.

● «قد خلقت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین. هذا بیان للناس و هدی و موعظة للمتقین» [آل عمران/ ۱۳۷ و ۱۳۸]: پیش از شما مللی بودند و رفتند. در اطراف زمین گردش کنید تا ببینید چگونه عاقبت هلاک شدند آنان که وعده های خدا را تکذیب می کردند. این (کتاب خدا) حجت و بیان است برای عموم مردم و پندی برای پرهیزگاران.

فراگیر بودن سنت های الهی این مطلب را یادآوری می کند که مردمان باید پند پذیرند؛ چرا که در صورت ارتکاب اعمالی، قطعاً همان سنت های معمول در حق گذشتگان گریبانگیر آنان نیز خواهد شد [خرمشاهی، ج ۲: ۱۲۲۱]. در واقع، آشنایی با سنت های کهن، راز بینش و شناخت است [معادینخواه، ۱۳۷۲، ج ۶: ۳۲۱۴].

حضرت علی (ع) می فرماید: «والیقین منها علی أربع شعب: علی تبصرة الفطنة، و تأول الحکمة، و موعظة العبرة، و سنة الاولین. فمن تبصر فی الفطنة تبینت له الحکمة، و من تبینت له الحکمة عرف العبرة، و من عرف العبرة فکانما کان فی الاولین» [نهج البلاغه، ترجمه ی محمد دشتی، حکمت ۳۱]: یقین (که

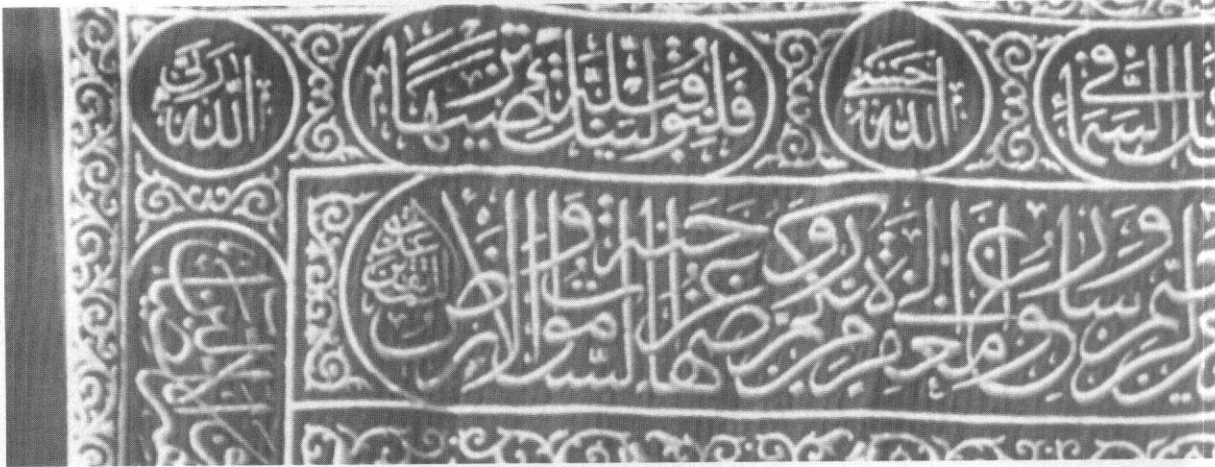
از پایه های ایمان است)، خود بر چهار پایه استوار است: بینش زیرکانه، دریافت حکیمانه ی واقعیت ها، پند گرفتن از حوادث روزگار، و پیمودن راه درست پیشینیان. پس آن که هوشمندانه به واقعیت ها نگریست، حکمت را آشکارا ببیند و آن که حکمت را آشکارا دید، عبرت آموزی را شناسد و آن که عبرت آموزی را شناخت گویا چنان است که با پیشینیان می زیسته است.

ب) قیاس ناپذیری سنت الهی

قیاس ناپذیری سنت الهی نیز یکی دیگر از ویژگی هاست. حضرت علی (ع) می فرماید: «هو الذی اشتدت نقمته علی أعدائه فی سعة رحمته. و اتسعت رحمته لاولیائه فی شدة نقمته قاهر من عازه و مدمر من شاقه و مذل من ناواه و غالب من عاداه. و من توکل علیه کفاه. و من سأله أعطاه و من أقرضه قضاه و من شکره جزاه» [نهج البلاغه، پیشین، خطبه ی ۹۰]: اوست خدایی که با همه ی وسعت رحمتش، کيفرش بر دشمنان سخت است و با سختگیری که دارد، رحمتش همه ی دوستان را فرا گرفته است. هرکس با او به مبارزه برخیزد، (خداوند) بر او غلبه می کند و هر کس دشمنی ورزد، هلاکش می سازد. هرکس با او کینه و دشمنی ورزد تیره روزش کند. و بر دشمنان پیروز است. هرکس به او توکل نماید، او را کفایت کند و هرکس از او بخواهد می پردازد و هرکس برای خدا به محتاجان قرض دهد، وامش را پردازد و هر که او را سپاس گوید، پاداش نیکو دهد.

ج) تحول ناپذیری سنن الهی

یک ویژگی مهم سنت های الهی این است که ثابت و تغییر ناپذیرند. قرآن کریم می فرماید: «سنة الله فی الذین خلوا من قبل و لن تجد لسنة الله تبدیلا»



[احزاب/ ۶۲].

«سنة الله التي قدخلت من قبل و لن تجد لسنة الله تبديلا» [فتح/ ۲۳].

«فلن تجد لسنة الله تبديلا و لن تجد لسنة الله تحويلا» [فاطر/ ۴].

تبدیل سنت خدا به این است که عذاب خدا را بردارند و به جایش عافیت و نعمت گذارند. و اما تحویل سنت عبارت از این است که عذاب فلان قوم را که مستحق آن شده اند، به سوی قومی دیگر برگردانند [طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۱۷: ۸۹].

شریفه زیر از این نمونه اند:

● «و یرد الله أن یحق الحق بکلماته و یقطع دابر الکافرین . لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون» [انفال/ ۷ و ۸]: خدای متعال می خواهد که حق را با کلمات خویش استقرار دهد و دنباله ی کافران را ببرد تا حق را استقرار دهد و باطل را نابود کند؛ هرچند گناهکاران را بد آید.

● «و یمح الله الباطل و یحق الحق بکلماته» [شورا/ ۲۴]: خدای متعال باطل را نابود می سازد و حق را با کلمات خویش استقرار می دهد.

برای تحقیق وعده ی الهی در جهت نصرت مؤمنان شرایطی لازم است که برخی از آن ها عبارتند از [خرمشاهی، ج ۲: ۱۲۲۱]:

۱. ایمان

● «ولا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الاعلون إن کنتم مؤمنین» [آل عمران/ ۱۳۹]: سست مشوید و نگران نباشید که شما اگر واقعا ایمان داشته باشید، برترید.

● «ثم ننحی رسلنا و الذین آمنوا کذلک حقا علینا ننج المؤمنین» [یونس/ ۱۰۳]: آن گاه رسولان و نیز کسانی را که ایمان آورده اند، می رهانیم. بر عهده ی ماست که مؤمنان را رهایی دهیم.

● «و کان حقا علینا نصر المؤمنین» [روم/ ۴۷]: یاری کردن مؤمنان بر عهده ی ماست.

۲ و ۳. تقوا و صبر

● «بلی إن تصبروا و تقوا و یأتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بخمسة آلاف من الملائكة مسومین» [آل عمران/ ۱۲۵]: بله اگر شما صبر و ایستادگی در جهاد پیشه کنید و پرهیزگار باشید، چون کافران بر سر شما شتابان و خشمگین درآیند، خداوند پنج هزار فرشته را (با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است) به مدد شما فرستد.

سنت تدافع حق و باطل

مراد از تدافع بین حق و باطل، تدافع اهل حق و باطل است.

نکته ی مهم در این سنت، غلبه ی حق بر باطل در همین دنیاست که البته با شرایطی همراه است؛ زیرا جزا و پاداش اخروی در مورد اهل حق و باطل مسأله ی روشنی است. در قرآن کریم آمده است:

«جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل کان زهوقا» [اسراء/ ۸۱]: حق بیامد و باطل رفت که باطل از میان رفتنی است.

عبارت «باطل از میان رفتنی است» در آیه ی شریفه، بر سنت امحای باطل دلالت دارد. همچنین، در آیه ی دیگری می فرماید:

«بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق» [انبیا/ ۱۸]: حق را بر باطل می افکنیم و (حق) آن را درهم می شکند و آن (=باطل) یکباره از میان می رود. در آیه ی دیگری چنین آمده است:

«جاء الحق و ما یدئی الباطل و ما یعید» [سبأ/ ۴۹]: حق بیامد و باطل نه (کاری را) آغاز می کند و نه دوباره به انجام می رساند.

پیروزی حق بر باطل در میدان حجت و استدلال و برهان نیز می تواند بخشی از پیروزی اهل حق بر باطل باشد. از برخی آیات قرآن نیز این مطلب فهمیده می شود و چنان که گفته اند، شواهدی در این زمینه در دست است [مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۴۲۵]. آیات

● «قال موسى لقومه استعينوا بالله واصبروا إن الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين» [اعراف/ ۱۲۸]: موسى به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست و او به هرکس از بندگان خواهد واگذار و حسن عاقبت و فیروزی مخصوص اهل تقواست.

۴. یاری کردن دین اسلام

● «و لينصرن الله من ينصره» [حج/ ۴۰]: قطعاً کسی که خداوند را یاری کند، خداوند نیز او را یاری می کند.

● «يا ايها الذين آمنوا إن تنصروا الله ينصركم و يثبت أقدامكم» [محمد/ ۷]: ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خداوند را یاری کنید، یاری تان می دهد و گام هایتان را استوار می سازد.

۵. جهاد و فراهم کردن قوا

● «و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله و عدوكم و آخرین من دونهم لاتعلمونهم الله يعلمهم و ما تنفقوا من شيء في سبيل الله يوف إليكم و أنتم لاتظلمون» [انفال/ ۶۰]: و شما ای مؤمنان، در مقام مبارزه با کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خداوند و دشمنان خودتان فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمنی آنان آگاه نیستید و خدا از آن آگاه است نیز مهیا باشید و آنچه در راه خدا صرف می کنید، خدا تمام به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.

۶. ذکر و یاد خدا

● «يا ايها الذين آمنوا اذا لقيتم فئة فاثبتوا و اذكروا الله كثيرا لعلكم تفلحون» [انفال/ ۴۵]: ای کسانی که ایمان آورده اید، آن گاه که گروهی با شما روبه رو شدند، ثابت قدم باشید و خداوند را فراوان یاد کنید؛ باشد که رستگار شوید.

نکته ای که باید مؤمنان در باب سنت پیروزی بر دشمنان به آن توجه کنند، توجه به شرایط آن است و این سنت ها، مقید و مشروط هستند. توضیح این که: شکست ظاهری مؤمنان از دشمنان در صورت اختلاف، عدم اطاعت از فرمانده، ریا، غرور و مانند آن نیز از سنت های الهی است که سبب مبتلا شدن به مصیبت ها و

رنج ها خواهد شد؛ چنان که در «جنگ احد» چنین شد. یکی از نویسندگان در رابطه با مسأله ی رهبری می نویسد: «مسأله رهبری نقش بسیار مؤثری در سرنوشت اقوام و ملل دارد، ولی نباید فراموش کرد که ملت های بیدار همواره رهبران لایق را به رهبری خویش می پذیرند و رهبران نالایق، زورگو و ستمکار در برابر خشم و اراده ی آهنین ملت ها درهم کوبیده می شوند» [مکارم شیرازی و دیگران، ج ۷: ۲۱۲].

در قرآن کریم آمده است: «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یتغیروا ما بانفسهم» [رعد/ ۱۱]: خداوند وضع هیچ ملتی را عوض نمی کند تا که خودشان تغییری در خود ایجاد کنند.

بنا بر این آیه، هیچ ملتی از بدبختی به خوشبختی نمی رسند، مگر این که عوامل بدبختی را از خود دور سازند. و برعکس، یک ملت خوشبخت را خدا بدبخت نمی کند، مگر آن که خودشان موجبات بدبختی برای خویش فراهم آورند [مطهری، ۱۳۷۴: ۱۱۲]. یعنی این خود سنت الهی است که سرنوشت ملت ها را به دست خود آن ها سپرده است. دعا، صدقه و توکل هر کدام یک سنت الهی هستند و تقوا، تلاش و پایداری نیز سنت های الهی هستند.

منابع

۱. ابن مکرّم (ابن منظور)، جمال الدین. لسان العرب. ج ۳۱. نشر ادب حوزه. قم. ۱۴۰۵ هـ.
۲. فتح الله، احمد. معجم ألفاظ الفقه الجعفری. بی نا. بی جا. ۱۴۱۵ هـ.
۳. قلعجی، محمد. معجم لغة الفقهاء. دار الفانسان. بیروت. ۱۴۰۸ هـ.
۴. مصباح یزدی، محمدتقی. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، تهران. چاپ اول. ۱۳۶۸.
۵. خرمشاهی بهاء الدین. دانشنامه ی قرآن. ج ۲.
۶. معادیخواه عبدالمجید، فرهنگ آفتاب «فرهنگ تفصیلی مفاهیم نهج البلاغه» نشر ذره. تهران چاپ اول. ۱۳۷۲.
۷. طباطبائی سیدمحمدحسین. تفسیر المیزان. ترجمه ی سیدمحمدباقر موسوی همدانی. بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجا و مؤسسه انتشارات امیرکبیر. تهران. ۱۳۶۳.
۸. مکارم شیرازی ناصر و جمعی از نویسندگان. تفسیر نمونه. ج ۷. دارالکتب الاسلامیه.
۹. مطهری مرتضی. عدل الهی. انتشارات صدرا. قم. ۱۳۷۴.